

## ♦ ارائه الگوی سرمایه فرهنگی در دانشگاه پیام نور

بهرروز اسکندریپور<sup>1</sup>

### چکیده

**هدف:** تحقیق حاضر با هدف تدوین مدل سرمایه فرهنگی در دانشگاه پیام نور انجام شد. **روش:** روش تحقیق در این پژوهش در مرحله اول، اکتشافی و کیفی و در مرحله دوم، از نوع کمی و کاربردی بود. جامعه آماری در مرحله اول، 15 نفر از اعضای هیئت علمی رشته مدیریت دانشگاه پیام نور بود که به شیوه هدفمند انتخاب شدند و از آنان مصاحبه عمیق به عمل آمد و در مرحله دوم، کلیه دانشجویان پیام نور استان اردبیل بودند که 384 نفر به عنوان حجم نمونه از جدول مورگان و به شیوه تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. **یافته‌ها:** با حذف کدهای تکراری، کدگذاری نهایی به 127 کد مفهومی خلاصه شد و در پایان، تعداد 77 شاخص به عنوان شاخصهای سرمایه فرهنگی در دانشگاه پیام نور انتخاب شدند که در ادامه با استفاده از نظرات هفت تن از اعضای هیئت علمی و تحلیل عاملی اکتشافی در 10 مفهوم سرمایه فردی، سرمایه عینی و نهادی، خرد فرهنگی، احساس تعلق فرهنگی، آگاهی فرهنگی، تحول‌گرایی، فرهنگ‌مداری دانشگاه، تعهدمداری، حمایت‌های فرهنگی و هوش فرهنگی دسته‌بندی شدند. **نتیجه‌گیری:** بعد از تأیید روایی مطالعه توسط اعضای هیئت علمی از طریق مصاحبه، مدل سرمایه فرهنگی برای دانشگاه پیام نور تدوین شد.

**واژگان کلیدی:** سرمایه فرهنگی، دانشگاه پیام نور، سرمایه عینی و نهادی، سرمایه فردی.

♦ دریافت مقاله: 98/03/10؛ تصویب نهایی: 98/11/25.

1. استادیار، مدیریت بازرگانی، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول) / نشانی: تهران، بلوار ارتش، خ نخل، سازمان مرکزی دانشگاه پیام نور - نمابر:  
.Email: skandarpur@gmail.com / 22454971

## الف) بیان مسئله

برای معنای اصطلاحی فرهنگ، تعاریف مختلفی ارائه شده است؛ از جمله: «مجموعه تافته و تنیده از بینشها، منشها و کنشهای پایدار، در بستر زمینی و بازه زمانی مشخصی که چون هویت جمعی و طبیعت ثانوی طیفی از آدمیان، صورت بسته باش». به تعبیر دیگر: فرهنگ جهانزیست نافیژیکی جمعی آدمیان زمان و زمین معین است؛ از این رو، انسان بالفهنگ و فرهنگ بالانسان بی معناست. مطالعه فرهنگ در حقیقت، انسان‌شناسی انضمامی است؛ یعنی آنگاه که انسان به انضمام محیط، زمان، مکان و دیگر ظروف زیستی او مطالعه می‌شود، درحقیقت فرهنگ مطالعه می‌شود (تری، 1387). فرهنگ، نظامواره‌ای است از باورها و مفروضات اساسی، ارزشها، آداب و الگوهای رفتاری ریشه‌دار و دیرپا و نمادها و مصنوعات که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد.

سرمایه فرهنگی مجموعه‌ای از ثروتهای نمادین است که از یک سو به معلومات کسب‌شده برمی‌گردد و از سوی دیگر، به صورتهای موفقیت‌های مادی. این سرمایه به حالت عینیت یافته، در میراث فرهنگی به شکل اموال (تابلوها، کتابها، واژه‌نامه‌ها و ...) جلوه می‌کند و نیز می‌تواند به حالت نهادینه‌شده در جامعه به صورت عناوین، مدارک تحصیلی، موفقیت در مسابقات ورودی و غیره که به استعدادهاى فرد عینیت می‌بخشند، ظاهر شود. سرمایه فرهنگی بدون کوشش شخصی کسب نمی‌شود و مستلزم کار طولانی، مداوم و پیگیری یادگیری و فرهنگ‌پذیری است. سرمایه فرهنگی داشتنی است که بودن شده است؛ ملکی است که درونی شده و خصلت فرد شده است. سرمایه فرهنگی با سرمایه اقتصادی به شکل تنگاتنگی گره خورده است. (شویره و فوتن، 1385)

دانشگاه از مهم‌ترین مکانهایی است که توزیع سرمایه فرهنگی از رهگذر آن صورت می‌پذیرد. نظریه پردازان سرمایه فرهنگی (بورديو و پاسرون، 1977) بیان داشته‌اند که شیوه‌ها و فرمهای آموزشی در جوامع سرمایه‌داری مبتنی بر روابط اقتصادی در حوزه تولید است؛ در نتیجه، دانش دانشگاه و محیط‌های آموزشی، معصوم و بی‌طرف نیست، بلکه با ایدئولوژی مسلط گروه‌های قدرتمند در ارتباط است. (گانو، 2003)

انواع سرمایه فرهنگی از دیدگاه بورديو می‌تواند به سه صورت متجلی شود:

**یک) حالت تجسم یافته یا ذهنی:** می‌توان اکثر ویژگی‌های سرمایه فرهنگی را از این واقعیت استنباط کرد که این سرمایه با شخصی که در آن تجسم می‌یابد، ارتباط نزدیک دارد. سرمایه تجسم یافته، نوعی ثروت بیرونی است که به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از فرد درآمده است. این همان بخش است که بورديو

آن را سرمایه فرهنگی همراه با تولد می‌نامد که نمی‌توان آن را از طریق هدیه، خرید یا مبادله به دیگری منتقل کرد. این نوع سرمایه به صورت آمادگی‌های مداوم ذهن و جسم تجلی می‌یابد.

**دو) حالت عینیت‌یافته:** یکی از بدیهی‌ترین و عینی‌ترین اشکال سرمایه فرهنگی، مصرف کالاهای مختلف فرهنگی در میان اقشار مختلف جامعه است که خود می‌تواند تابعی از متغیرهای گوناگون فردی و اجتماعی باشد. سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته در اشیای مادی، رسانه‌ها نظیر نوشتار، نقاشی، ابزار و نظایر آن و به طور کلی در ماهیت آن قابل انتقال است. لذا کالاهای فرهنگی را هم می‌توان به صورت مادی تخصیص داد.

**سه) حالت نهادی‌شده:** این حالت نوعی رسمیت بخشیدن نهادی به سرمایه فرهنگی فرد است. مدارک تحصیلی و آکادمیک، نمونه‌ای از این حالت است. این مدارک، نوعی نرخ تبدیل بین سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی برقرار می‌سازد و این کار را از طریق تضمین ارزش مادی برای یک سرمایه تحصیلی معین انجام می‌دهند. از آنجا که منابع مادی و نمادی مدارک تحصیلی بستگی به کمیابی آن دارد، سرمایه‌گذاری صورت گرفته (از لحاظ زمان، تلاش و پول) ممکن است به اندازه‌ای که پیش‌بینی می‌شود، سودمند نباشند (شارع‌پور و خوش فر، 1381). سرمایه فرهنگی به عنوان متغیری مورد توجه قرار می‌گیرد که با سنجش حالتهای سه‌گانه آن سعی می‌شود به صورت یک شاخص ترکیبی درآید. این شاخص ترکیبی شامل تمایلات و گرایشهای روانی افراد نسبت به مصرف و استفاده از کالاهای فرهنگی، میزان مصرف مستقیم کالاهای فرهنگی به طور عینی و مدارک و مدارج تحصیلی و علمی - فرهنگی افراد است. سنجش و اندازه‌گیری تغییر و تحولات فرهنگی و میزان موافقت در فرایند توسعه فرهنگی، مستلزم ارزیابی مداوم اهداف، سیاستها و خط مشی‌ها، اقدامات و برنامه‌های اجرایی و به تبع آن، تبیین سرمایه فرهنگی در دانشگاه است.

با وجود مفهوم‌سازی خود بورديو از سرمایه فرهنگی از نظر سولویان، مفهوم‌سازی بورديو ناقص و ناپسند است (سولویان،<sup>1</sup> 2001؛ 2002). همین نکته سبب شده محققان، سرمایه فرهنگی را به گونه‌های مختلفی عملیاتی کنند و این امر نتایج متفاوتی در پی داشته است. بنابر این، در این تحقیق دو هدف داریم: نخست، شناسایی شاخصهای سرمایه فرهنگی در دانشگاه پیام نور و دوم، تعیین ابعاد و تحلیل عاملی تأییدی شاخصهای منتج از مرحله اول. به عبارت دیگر؛ صورت‌بندی تمام عناصر و اجزا و نیز نگرشهای ذهنی و رفتاری سطوح و لایه‌های مختلف جامعه مورد بررسی که برخاسته از عقاید درونی و اعتقادات قلبی تک تک افراد آن است، به انجام خواهد رسید.

**(ب) مرور ادبیات**

مفهوم فرهنگ یکی از پرکاربردترین واژه‌ها در زندگی اجتماعی انسانهاست که گستره وسیع آن از یک سو و ابعاد ذهنی و غیر عینی آن از سوی دیگر، پیچیدگی‌های خاصی به آن داده است؛ به گونه‌ای که بررسی روند تغییر و تحولات در این حوزه از نظام اجتماعی را بسیار دشوار کرده است. این دشواری در نظام‌های ایدئولوژیک که درصدد دستیابی به فرهنگ مطلوب و منطبق بر ارزشها و آرمانهای خاصی‌اند، دوچندان می‌نماید.

تحقق این هدف فقط در سایه طراحی سازوکار و فرایندی مناسب برای نظارت و ارزیابی دقیق تغییرات فرهنگی جامعه در حوزه‌های مختلف امکان‌پذیر خواهد بود. بدیهی است چنین فرایندی نمی‌تواند فقط محدود به بخش فرهنگ باشد؛ زیرا سایر حوزه‌های نظام اجتماعی نظیر سیاست، اقتصاد و اجتماع، تعامل وسیعی با حوزه فرهنگ داشته، منشأ بسیاری از تغییرات در این عرصه‌اند. از سوی دیگر، در فرایند تحلیل و ارزیابی، مسائل فرهنگی گذشته، حال و آینده به گونه‌ای با هم مرتبط می‌شوند؛ بنابر این، باید محدوده زمانی قابل توجهی در رصد فرهنگی مدنظر قرار گیرد. در نتیجه، طراحی نظامی برای ارزیابی و رصد فرهنگی و کنکاش ابعاد مختلف موضوع، کاری بس دشوار بوده و از پیچیدگی فراوانی برخوردار است. فرهنگ دارای دو بعد عینی و ذهنی است. ابعاد ذهنی در مؤلفه‌هایی از قبیل مقوله‌بندی، تداعی معانی، باورها، ارزیابی‌ها، معانی ضمنی، انتظارات، هنجارها، قوانین، خودشناسی‌ها، عقاید غالب، مطلوبها و ارزشها و معنی رفتار تجلی می‌یابد. در واقع؛ موارد مذکور نگرش مردم نسبت به محیط و دنیای پیرامون خود را نشان می‌دهد. ابعاد عینی فرهنگ، در میراث فرهنگی، هنرهای تجسمی، سینما، نقاشی، خط، آثار باستانی، ادبیات، رفتارها و... ملاحظه می‌شود. در مجموع، فرهنگ مجموعه‌ی مرکبی از ارزشها، عقاید، هنجارها و نمادها در نظر گرفته می‌شود که در یک جامعه پذیرفته شده و پایداری آن به صورت غیر رسمی و جمعی تضمین شده است. بنابر این، فرهنگ چهار مؤلفه یا جزء اصلی دارد که عبارتند از: آگاهی و عقاید، ارزشها، هنجارها و نمادها (تیمون و ایتامپ،<sup>1</sup> 2003). با مروری بر تحقیقات گذشته، لزوم مطالعه درباره سرمایه فرهنگی در دانشگاه پیام نور بیشتر نمود پیدا می‌کند.

محمدی (1397) نشان داد که سرمایه فرهنگی ضمن داشتن رابطه معنادار با ابعاد هویت جمعی دانشجویان، تأثیر متفاوتی بر ابعاد هویتی دارد. حمیدی هریس و راد (1396) در بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز دریافتند بین متغیر میزان سرمایه فرهنگی و میزان مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد. ابراهیمی و همکاران (1396)، گزارش کردند که سرمایه فرهنگی و دو بعد آن (سرمایه فرهنگی عینیت یافته و نهادینه شده) بر سبک زندگی دینی تأثیر معکوس و معناداری

دارند؛ در صورتی که سرمایه فرهنگی تجسم یافته بر سبک زندگی دینی تأثیر مستقیم و معناداری داشت. فانقی و باینگانی (1395) نشان دادند که پایگاه اقتصادی اجتماعی با سرمایه فرهنگی رابطه معناداری دارد و از میان ابعاد آن، بیشترین نقش تبیین کنندگی را در زمینه سرمایه فرهنگی نهادینه شده ایفا می کند. رضاپور و ابراهیمی (1395) نشان دادند که سرمایه فرهنگی بر دل بستگی شغلی استادان دانشگاه محقق اردبیلی تأثیر مثبت معناداری دارد. شریبتیان و اسکندری (1394) ارتباط معناداری بین فراغت، موبایل، مصرف گرایی، گرایش به سلیقه، سبک بدن و موسیقی با میزان سرمایه فرهنگی در میان دانشجویان دانشگاه پیام نور و آزاد اسلامی قاین گزارش کردند. قاسمی و نامدار جویمی (1393) گزارش کردند بین ابعاد سرمایه فرهنگی (تجسم یافته، عینیت یافته، نهادینه شده) و سرمایه نمادین فرهنگی، رابطه معناداری وجود دارد. حیدری گرجی و همکاران (1393) نشان دادند که رابطه معناداری بین سرمایه فرهنگی و راهبردهای مطالعه و یادگیری وجود دارد. ژیانپور و همکاران (1392) با تکیه بر نظریه فرهنگی پی یورودیو و بحث او در کتاب انسان دانشگاهی، میزان سرمایه فرهنگی دانشجویان چهار رشته جامعه شناسی، پزشکی، حقوق و طراحی صنعتی (هنر) - همگی از بین دانشجویان دانشگاه دولتی اصفهان - ارزیابی کردند. نتایج نشان داد رشته جامعه شناسی و طراحی صنعتی دارای بالاترین میزان سرمایه فرهنگی اند و رشته های حقوق و پزشکی، سرمایه فرهنگی کمتری نسبت به دانشجویان جامعه شناسی و طراحی صنعتی دارند. ادیسی و همکاران (1391) نشان دادند سرمایه فرهنگی در بین دانشجویان علوم پایه بیش از علوم انسانی است و سرمایه فرهنگی با انواع فراغت به جز فراغت جسمانی رابطه معناداری دارد و میزان شدت رابطه آن با انواع فراغت به ترتیب: فراغت اجتماعی، هنری - فرهنگی، فکری و تفریحی - سرگرمی است.

## ب) روش تحقیق

این تحقیق در دو مرحله اجرا شد. در مرحله اول، با استفاده از مصاحبه عمیق، شاخصهای سرمایه فرهنگی در دانشگاه پیام نور شناسایی شد و در مرحله دوم، شاخصهای شناسایی شده با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تأییدی به انجام رسید. بنابراین، روش تحقیق در مرحله اول، کیفی و از لحاظ هدف بنیادی است و در مرحله دوم، کمی و از نوع کاربردی است و به شیوه پیمایشی اجرا شد.

جامعه آماری این تحقیق در مرحله اول، 15 نفر از اعضای هیئت علمی رشته مدیریت دانشگاه پیام نور بودند. فرض بر این بود که در صورت عدم دستیابی به اشیاع اطلاعات با این تعداد، تا مرحله اشیاع یکی اضافه شود. روش نمونه گیری نیز با استفاده از نمونه گیری مبتنی بر هدف انجام شد که آن را نمونه گیری قضاوتی نیز می نامند (سفری، 1387: 59). از تعداد 15 نفر نمونه، 12 نفر مرد و سه نفر زن بودند. جوان ترین آنان، 39 سال و مسن ترین آنها 49 سال سن داشت. از لحاظ تحصیلات نیز همگی دارای مدرک تحصیلی دکتری بودند.

از 15 مصاحبه انجام شده، تعداد 127 کد به دست آمد که در مصاحبه دهم، اکثر کدها تکراری بودند. لذا با توجه به اشباع شدن اطلاعات، دیگر نیازی به ادامه مصاحبه نبود.

جامعه آماری در مرحله دوم نیز دانشجویان دانشگاه پیام نور استان اردبیل بودند که حجم نمونه آن با استفاده از جدول مورگان و به روش تصادفی طبقه‌ای، 384 نفر به دست آمد. شرکت کنندگان در این مرحله از تحقیق، بیشتر دانشجویان زن و بیشترین تعداد نیز دانشجویان کارشناسی ارشد بودند.

برای تأمین روایی و پایایی مطالعه، از روش ارزیابی لینکلن و گوبا<sup>1</sup> استفاده شد که معادل روایی و پایایی در تحقیقات کمی است. بدین منظور و بر پایه این روش، چهار معیار موثق بودن و اعتبار (باورپذیری)<sup>2</sup>، انتقال‌پذیری<sup>3</sup>، اطمینان‌پذیری (پایایی)<sup>4</sup> و تأییدپذیری<sup>5</sup> برای ارزیابی در نظر گرفته شده است. با توجه به کیفی بودن تحقیق حاضر، اثبات روایی آن دشوارتر از پژوهشهای کمی است. به همین منظور و برای دستیابی به هر یک از معیارهای یاد شده، اقدامات ذیل صورت پذیرفت:

**1. باورپذیری:** پژوهشگر با صرف زمان کافی، تأیید فرایند پژوهش را توسط 12 نفر از اساتید دانشگاه پیام نور، استفاده از سه کد‌گزار برای کد‌گزاری، چند نمونه مصاحبه برای کسب اطمینان از یکسانی دیدگاه کدگذاران، میزان موثق بودن داده‌های پژوهش را به حد قابل قبولی افزایش داده است.

**2. انتقال‌پذیری:** برای حصول اطمینان از انتقال‌پذیری یافته‌های پژوهشی، با دو متخصص مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی و سه متخصص فرهنگ که در پژوهش مشارکت نداشتند، درباره یافته‌های پژوهش مشورت شد و از طریق فرمهایی، تحقیق حاضر روایی‌سنجی شد.

**3. اطمینان‌پذیری:** در همه مراحل برای ایجاد اطمینان‌پذیری، جزییات پژوهش و یادداشت‌برداری‌ها ثبت و ضبط شد.

**4. تأییدپذیری:** اگر یافته‌های پژوهشی بخواهد تأییدشدنی باشد، باید کلیه جزییات در تمامی مراحل به دقت ثبت و ضبط شود که این کار در پژوهش حاضر انجام شد.

برای ارزیابی روایی محتوایی، از روش کیفی مراجعه به شرکت کنندگان در مصاحبه (حاجی‌زاده و اصغری، 1390) استفاده شد. همچنین روایی سازه پرسشنامه (به دست آمده از مرحله اول) در ادامه نتایج نیز بررسی شد. برای اطمینان از پایایی پرسشنامه محقق ساخته، تعداد 40 پرسشنامه پیش‌آزمون شد که در نهایت، ضریب

---

1. Lincoln and Guba  
2. Credibility  
3. Transferability  
4. Dependability  
5. Conformability

اعتماد به دست آمده برای پرسشنامه (0,823)، نشان‌دهنده پایایی پرسشنامه تحقیق بود. روش تجزیه و تحلیل نیز در مرحله اول، مصاحبه عمیق بود و در مرحله دوم از تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تأییدی در نرم‌افزارهای اس.پی.اس.اس و لیزرل استفاده شد.

## ج) یافته‌های تحقیق

### 1. مرحله اول: پیاده‌سازی مطالب و کدبندی پاسخگویان

در این مرحله، اطلاعات مکتوب مربوط به مصاحبه‌ها چندین مرتبه خوانده و محتوای کلی آنها درک شد. این کار همراه با گوش دادن به بخشهایی از اطلاعات ضبط شده بود که پس از پیاده‌سازی، همه مطالب به دقت خوانده و عبارات و جملات مهم از آنها استخراج شد. کدهایی به مصاحبه‌شونده‌ها (شخص 1 تا شخص 15)، محقق (کد R) و پاسخ‌دهنده (کد L) اختصاص داده شد. اشخاص با کدهای انگلیسی نامگذاری شدند (P1 تا P15). اظهارات مهم استخراج شده بازخوانی شد و اصطلاحات و عبارات مهم برای مطالعه سرمایه فرهنگی مشخص شدند و یک کد به هر یک از آنها اختصاص داده شد. تعداد کل کدهای به دست آمده در پایان، 127 کد بود. در ادامه با قرار دادن اظهارات مهم نمونه‌ها در کنار هم، کدهای اضافی شناسایی شدند؛ که در نهایت 77 کد مفهومی برای سرمایه فرهنگی شناسایی شدند. (در جدول 3، تدوین و فرموله کردن معانی اظهارات مهم استخراج شده از مصاحبه آمده است.)

در ادامه مرحله قبل و برای اطمینان از نتایج تحلیل کیفی، با استفاده از نظرات پنج تن از اعضای هیئت علمی که در مرحله مصاحبه حضور نداشتند، 77 شاخص شناسایی شده به ابعاد و مؤلفه‌های جداگانه تقسیم‌بندی شد. همچنین برای اطمینان از این نتایج، از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد که نتایج آن نیز مؤید نظرات پنج نفر اعضای هیئت علمی بود.

### 2. مرحله دوم: تحلیل عاملی اکتشافی

تحلیل عاملی اکتشافی یکی از روشهای خوشه‌بندی داده‌هاست که در حوزه داده‌کاوی قرار دارد. در مطالعات مدیریت از این تکنیک برای شناسایی عوامل زیربنایی یک مجموعه سؤال استفاده می‌شود. اگر تعداد زیادی سؤال بر اساس ادبیات پژوهش یا مصاحبه شناسایی کرده‌اید و هیچ ایده‌ای برای دسته‌بندی آنها ندارید، می‌توانید از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده کنید.

تحلیل عاملی اکتشافی برای متغیر سرمایه فرهنگی در مقادیر واریانس توضیح داده شده، تعداد 10 بعد را به عنوان ابعاد اصلی دارای عدد بالاتر از یک، نشان داد؛ بنابراین، در زیر ابعاد مربوط به سرمایه فرهنگی در دانشگاه پیام نور ذکر شده است. بعد سرمایه فردی با مؤلفه‌های باورهای فرهنگی خاص (کدهای 6، 14،

## 274 ♦ ارائه الگوی سرمایه فرهنگی در دانشگاه پیام نور

17، 61، 72)، مدیریت سرمایه‌های فرهنگی دانشگاه (کدهای 25، 44، 46، 49، 53، 60، 64، 71)، معنویت مستلزم سرمایه فرهنگی (کدهای 4، 5، 23، 35، 36، 39، 42، 43، 54، 55، 59)؛ بعد سرمایه عینی و نهادی با مؤلفه‌های مدیریت دانش فرهنگی (کدهای 16، 29، 62، 76)، پذیرا بودن (کدهای 26، 28، 38، 48)، پویندگی (کدهای 37، 63، 65، 74) و نوآوری فرهنگی (کدهای 1، 2، 3، 18، 45، 70)؛ بعد احساس تعلق فرهنگی (کدهای 8، 9، 51)؛ بعد آگاهی فرهنگی (کدهای 15، 19، 21، 30، 58)؛ بعد تحول‌گرایی (کدهای 7، 10، 20، 24، 56، 69، 73)؛ بعد خرد فرهنگی (کدهای 34، 52، 68)؛ بعد فرهنگ‌مداری دانشگاه (کدهای 7، 10، 40، 57، 77)؛ بعد تعهدمداری (کدهای 22، 31، 32، 67)؛ بعد حمایت‌های فرهنگی (کدهای 13، 27، 41، 66) و در نهایت بعد هوش فرهنگی (کدهای 11، 12، 33، 50، 47، 75).

در این بخش، 77 مفهوم ساده‌شده به دست آمده در مرحله قبل، بر اساس کدهای آنها در دسته‌های پیش‌گفته با استفاده از نظرات چهار متخصص مدیریت و سه متخصص فرهنگ در 15 مؤلفه مدیریت سرمایه‌های فرهنگی دانشگاه، پذیرا بودن، پویندگی، خرد فرهنگی، نوآوری فرهنگی، احساس تعلق فرهنگی، باورهای فرهنگی خاص، آگاهی فرهنگی، تحول‌گرایی، مدیریت دانش فرهنگی، فرهنگ‌مداری دانشگاه، تعهدمداری، حمایت‌های فرهنگی، معنویت مستلزم سرمایه فرهنگی و هوش فرهنگی دسته‌بندی شدند.

بنابر این، محققان یک توصیف واقعی از مرحله قبل را به وجود آورده و 10 مفهوم جامع‌تر؛ یعنی سرمایه فردی، سرمایه عینی و نهادی، خرد فرهنگی، احساس تعلق فرهنگی، آگاهی فرهنگی، تحول‌گرایی، فرهنگ‌مداری دانشگاه، تعهدمداری، حمایت‌های فرهنگی و هوش فرهنگی به دست آمده از تحلیل عاملی اکتشافی را شناسایی کردند.

به منظور بررسی اولیه روایی و کفایت نمونه‌گیری نیز از شاخصهای آزمون کروییت بارتلت<sup>1</sup> استفاده شد که مقدار آن همواره بین صفر و یک در نوسان استفاده از ضریب است. شرط کفایت حجم نمونه در این تحقیق برای انجام تحلیل عاملی، بدین سبب است که ماتریس همبستگی بین متغیرها، ماتریس واحد و همسانی نیست و بین متغیرها ارتباط معناداری وجود داشته و امکان شناسایی و تعریف عاملهای جدید بر اساس همبستگی متغیرها وجود دارد. (مومنی و قیومی، 1389: 194 و 198)

جدول 1: آزمون بارتلت و کی.ام.او. برای مناسب بودن حجم نمونه

0/882	شاخصهای آزمون کروییت بارتلت
19672/196	آزمون خی <sup>2</sup>
2926	درجه آزادی
0/000	سطح معناداری

1. Bartlett's Test of Sphericity



### 275 $\blacklozenge$ بهروز اسکندرپور

نتایج جدول 1 نشان می‌دهد که سطح معناداری آزمون بارتلت برابر با 0,000 و کوچک‌تر از پنج درصد است. همچنین از آنجا که مقدار شاخص کی.ام.او<sup>1</sup> برابر 0/882 است (نزدیک به یک)، تناسب داده‌ها برای تحلیل عاملی خوب است.

### 3. تحلیل عاملی تأییدی

روش مدل معادله ساختاری بر اساس تعامل منعطف میان نظریه با داده‌های تحقیق، به علاوه مرتبط کردن معلومات تجربی و نظری برای درک بهتر دنیای واقعی اجرا می‌شود (فونل و لاکر،<sup>2</sup> 1981). در مواردی که اغلب سازه‌های معرفی شده برابندی از پدیده‌هایند، چنین تحلیلی برای مدل‌سازی بر اساس متغیرهای پنهان و مشاهده شده مورد تأیید است. مدل‌سازی معادله ساختاری شامل خطاهای اندازه‌گیری، متغیرهایی با شاخصهای چندگانه و مقایسه‌های گروه چندگانه است.

به دلیل آنکه سازه‌ها در سطح رضایت‌بخش پایایی‌اند، در رابطه با کیفیت مدل اندازه‌گیری برای نمونه کامل، می‌توان اطمینان داشت. با استفاده از نرم‌افزار آموس، مدل اندازه‌گیری برازش شد. مقدار شاخصهای کلی برازش در جدول 2 آورده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، چهار شاخص برازش در محدوده قابل قبول و شاخص RMSEA تقریباً در محدوده قابل قبول است. با توجه به اینکه حداقل سه شاخص برازش باید در محدوده قابل قبول قرار گیرد (فاسی، 183:1389)، بنابر این مدل تأیید می‌شود.

جدول 2: مقدار شاخصهای کلی برازش مدل

شاخص و محدوده قابل قبول	کای اسکوتر	درجه آزادی	سطح معناداری	GFI	AGFI	NFI	RMSEA	TLI	CFI
مقدار مدل	658/11453	2832	0/000	0/935	0/806	0/929	0/193	0/871	0/936

1. Kaiser Meyer Olkin (KMO)  
2. Fornell & Larcker

276 ♦ ارائه الگوی سرمایه فرهنگی در دانشگاه پیام نور

جدول 3: تحلیل عاملی تأییدی شاخصهای سرمایه فرهنگی در دانشگاه پیام نور

کد	شاخصها	پارامتر استاندارد	مقدار تی	کد	شاخصها	پارامتر استاندارد	مقدار تی
1	بستر سازی برای نوآوری	0/68	10/64	40	ترویج رفاه کارکنان	0/56	7/79
2	حمایت از خلاقیت	0/52	7/69	41	اشاعه خوش خلقی	0/66	9/78
3	نوآوری فرهنگی	0/8	13/28	42	اشاعه صداقت و درستکاری	0/52	6/31
4	هویت دینی	0/78	12/84	43	تشویق خوش بینی	0/63	9/22
5	عدالت مداری	0/59	8/86	44	پایبندی به سندهای سازمانی	0/66	9/77
6	ایجاد تناسب فرهنگی	0/64	9/87	45	استقبال از نوآوری فرهنگی	0/58	7/85
7	دسترسی برابر به امکانات	0/86	14/92	46	توجه به آداب و رسوم فرهنگهای مختلف	0/65	9/39
8	احساس تعلق ارزشها و هنجارهای سازمانی	0/60	9/17	47	فهم فرهنگی بالا نسبت به سایر سازمانها	0/54	8/12
9	حمایت از شهرت سازمانی	0/66	10/23	48	فرهنگ در راستای مشورت پذیری	0/57	8/62
10	حمایت عاطفی	0/78	12/84	49	درک فرهنگهای مختلف و سنتی	0/64	9/4
11	شناخت تمایزات و مشترکات فرهنگی	0/82	13/82	50	توجه به مناسبات فرهنگی در دانشگاه	0/59	7/54
12	سازگاری و تحمل تمایزات و تفاوتهای فرهنگی	0/54	8/05	51	اعتباردهی به دانشگاه از طریق اجرای برنامه های فرهنگی	0/76	12/49
13	تکریم و احترام در نتیجه سرمایه فرهنگی در دانشگاه	0/58	8/73	52	استقلال فکری	0/79	13/07
14	توسعه ارزشهای فرهنگی	0/75	12/12	53	توجه به معانی نمادین گذشته	0/93	17/12
15	درک درست از فوریتهای سازمانی	0/70	11/13	54	ترویج وجدان کاری	0/94	17/55
16	ایجاد فرصت یادگیری و کسب دانش	0/59	7/95	55	ترویج ایثار و فداکاری	0/80	13/33
17	حمایت از رفتارهای و اقدامات فرهنگی کارکنان	0/63	9/62	56	انتخاب سرمایه های فرهنگی شایسته	0/73	11/94
18	ارزش دادن به نوآوری	0/83	14/03	57	تمرکز روی منابع	0/85	15/11
19	داشتن بینش فرهنگی در ارتباطاتی	0/72	11/53	58	آگاهی و شناخت از برنامه های فرهنگی	0/52	7/65
20	خلق چشم انداز فرهنگی	0/72	11/45	59	توجه به اخلاق و معنویت	0/51	7/18
21	آگاهی و شناخت از سرمایه های فرهنگی	0/75	12/08	60	توجه به داستانهای سازمانی	0/82	13/78
22	تعهد به مسئولیتهای فرهنگی	0/59	8/94	61	توجه به باورهای فرهنگی مختلف	0/55	7/91
23	اعتماد سازی عمومی	0/76	12/41	62	به کار گیری فرهنگ در مدیریت دانش	0/54	7/85
24	الهام بخش	0/50	6/67	63	استعداد پروری	0/77	10/69
25	توجه به اصالت	0/59	8/96	64	توجه به رسوم و فرهنگ مختلف دانشجویان	0/57	7/99
26	ارتباطات چهره به چهره	0/61	9/27	65	الگو سازی	0/68	10/09
27	ترویج فرهنگ کتابخوانی	0/78	12/88	66	معاشرت با اساتید و اعضای هیئت علمی	0/56	8/36
28	انتقاد پذیری	0/67	10/46	67	ترویج فرهنگ پاسخگویی	0/65	9/78

9/58	0/65	هوشمندی حل مسئله	68	11/94	0/74	اثر بخش کردن اطلاعات فرهنگی در دانشگاه	29
10/56	0/70	کیفیت برنامه‌های فرهنگی دانشگاه	69	16/15	0/90	بصیرت در تحلیل	30
7/92	0/56	استفاده از تفکر خلاق	70	13	0/79	درکت تعهدات فرهنگی و حرفه‌ای	31
12/11	0/76	حمایت از عاداتهای فرهنگی مختلف	71	13/79	0/82	توسعه مسئولیت‌پذیری	32
7/21	0/58	مطرح کردن ارزشهای فرهنگی	72	9/79	0/66	روی خوش نشان دادن	33
7/08	0/50	تصمیم‌مبئی بر بصیرت	73	7/66	0/58	دوری از رفتارهای احساسی	34
7/39	0/51	پرهیز از تحجر فکری	74	10/84	0/71	رعایت حقوق با توجه به فرهنگ حاکم بر جامعه	35
7/07	0/49	حمایت از رویکردهای فرهنگی	75	7/63	0/56	ترویج راستگویی	36
11/78	0/74	ایجاد زمینه استفاده از دانش و تجربه افراد	76	12/29	0/77	یادگیری فرصتها	37
6/91	0/54	عدالت در رفتارهای فرهنگی	77	7/61	0/55	گفتگومداری	38
-	-	-	-	10/94	0/78	ارجحیت ارزشهای انسانی	39

از طرفی، روایی ابزار تحقیق نیز باید تأیید شود. روایی منطقی و وابسته به معیار در مرحله آزمایشی تأیید شد و روایی سازه (همگرا و افتراقی) با استفاده از نمونه کامل بررسی شد. مقدار بارهای عاملی، روایی همگرایی سازه‌ها را بررسی می‌کند. بارهای عاملی زیاد (حداقل 0/5) نشان‌دهنده همگرایی بخشها روی برخی موضوعات مشترک است.

## (د) بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تدوین ارکان سرمایه فرهنگی در دانشگاه پیام نور، با استفاده از دو روش کیفی و کمی و در دو مرحله انجام شد. در مرحله اول با استفاده از مصاحبه‌های عمیق تحلیل شدند و در مرحله دوم پرسشنامه محقق ساخته حاصل از مرحله اول با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی ابعادبندی شد. برای اطمینان از اعتبار سبک مطالعه، از روش روایی محتوایی؛ برای روش کمی از متخصصان مدیریت و برای روش کیفی، از شرکت کنندگان استفاده شد. یافته‌های حاصل از پژوهش بعد از حذف کدهای تکراری و کدگذاری نهایی، به 127 کد مفهومی رسید و در نهایت پس از طی چند مرحله، ابتدا کدها به مفاهیم ساده خلاصه شدند و در مرحله سوم 77 کد باقی ماند و در نهایت با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی این پرسشنامه، تعداد 10 مفهوم اصلی و 15 مفهوم فرعی شناسایی شد که این مفاهیم با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی، نشان‌دهنده روایی سازه پرسشنامه محقق ساخته سرمایه فرهنگی در دانشگاه پیام نور بود.

مفهوم سرمایه فرهنگی در پژوهش‌های خارجی، فرایند مفهوم‌سازی متفاوتی را گذرانده است؛ بدین طریق که در پژوهش‌های خارجی این مفهوم در هر دوره‌ای با توجه به مقتضای زمانی و مکانی هر جامعه، توسط محققان بازنگری شده است؛ در حالی که در پژوهش‌های داخلی، مفهوم سرمایه فرهنگی در قالبی مشابه با بورديو بدون بازنگری و به طور یکسان به کار برده شده و عملیاتی شده است؛ به طوری که در تمامی پژوهش‌های داخلی می‌توان یک الگوی استاندارد شده سنتی را مشاهده کرد. گفتنی است که مفهوم سرمایه فرهنگی از نظر بورديو در جامعه فرانسوی به کار برده شده است و متناسب با آن جامعه بوده؛ در حالی که با توجه به شرایط فرهنگی و ملی در دانشگاه‌های ما، به خصوص دانشگاه پیام نور، نمی‌توان با این استاندارد حرکت کرد و آن را بسان الگویی یکسان و دست نخورده برای همه پژوهش‌ها به کار برد. در واقع؛ همانند سولیوان (2007) باید گفت که در پژوهش‌های تجربی و نظری، معرفت فرهنگی مورد غفلت و بی‌توجهی واقع شده است. این معرفت فرهنگی یک دسته اطلاعاتی‌اند که از هر فردی انتظار می‌رود از آنها برخوردار باشد و معمولاً از یک کشور به کشور دیگر فرق می‌کند. به گفته ساروخانی (1380)، اگر فرهنگ را شامل تمام دستاوردهای جامعه یا گروه، نظیر زبان، هنر، صنعت، حقوق، دانش، دین، اخلاق، سنتها و حتی ابزار مادی بدانیم و همچنین آن را قابل انتقال از جامعه به جامعه دیگر و از نسلی به نسل دیگر بگیریم، در آن صورت ضرورت توجه به شرایط بومی، مذهبی و فرهنگ ایرانی در سنجش مفهوم سرمایه فرهنگی آشکار می‌شود.

همان‌طور که ذکر شد، در پژوهش‌های تجربی خارجی متأخر، برخی پژوهش‌های کیفی انجام شده، به نوعی به بررسی مفهوم سرمایه فرهنگی پرداخته‌اند؛ اما پژوهش‌های کیفی داخلی انجام شده در این زمینه بسیار محدودند و نوعی خلأ مشاهدات کیفی و کمی را در آن می‌توان دید. در پژوهش‌های داخلی، تنها ابراهیمی و همکاران (1396) به نوعی این اصل را رعایت کرده‌اند. با توجه به اینکه در عصر ارتباطات و فناوری قرار داریم و دانشگاه پیام نور نیز در همین راستا کلاسها را به صورت مجازی برگزار می‌کند، ارائه الگویی از سرمایه فرهنگی برای جامعه ایرانی و دانشگاه پیام نور، می‌تواند سرآغاز تحولی شگرف در محیط‌های آموزشی باشد.

### پیشنادهایی در راستای نتایج تحقیق

از آنجا که این تحقیق یک تحقیق بنیادی است و می‌خواهیم سرمایه فرهنگی جدیدی را مطرح کنیم، پیشنهادهای عملی چندانی نمی‌توان مطرح کرد.

1. سرمایه فردی، سرمایه عینی و نهادی، فرهنگ‌مداری دانشگاه و خرد فرهنگی، جزء ارکان سرمایه فرهنگی انتخاب شدند. لذا پیشنهاد می‌شود ارکان سرمایه فرهنگی در سایر دانشگاهها نیز استفاده شوند.

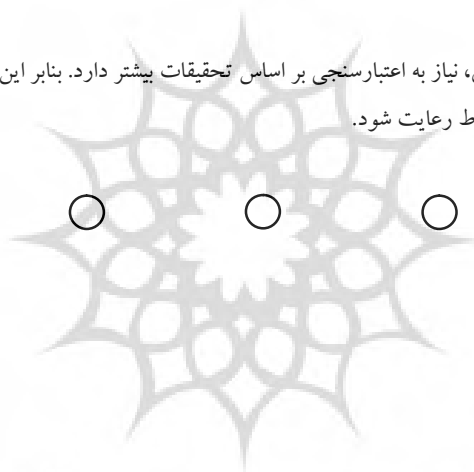
2. به محققان و نویسندگان و مدرّسان دانشگاهی توصیه می‌شود مبحث سرمایه فرهنگی را کاوش و مباحثی را بدان وارد کنند.

### پیشنادهایی برای تحقیقات آتی

1. سرمایه فرهنگی در سازمانهای مختلف مطالعه و نتایج با هم مقایسه شود.
2. روایی و پایایی سرمایه فرهنگی در سازمانهای فرهنگی آزمون شود.
3. مطالعه مشابهی در جامعه خبرگان دیگری انجام شود و مدل به دست آمده، با این مدل مقایسه و ترکیب شود.
4. تأثیر سرمایه فرهنگی روی متغیرهای مختلف سازمانی مطالعه شود.

### محدودیتهای پژوهش

مدل ارائه شده در این تحقیق، نیاز به اعتبارسنجی بر اساس تحقیقات بیشتر دارد. بنابر این، توصیه می‌شود در به کارگیری آن جانب احتیاط رعایت شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ابراهیمی، ق.ع؛ ح. جانعلیزاده چوببستی و م. بولاغی (1396). «بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه فرهنگی بر سبک زندگی دینی دانشجویان (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه مازندران)». *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ش 4(10): 113-138.
- ادریسی، ا.؛ ا. رحمانی خلیلی و س.ن. حسینی امین (1391). «سرمایه فرهنگی خانواده و ذائقه فراغتی دانشجویان با رویکرد نظری بوردیو (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تهران)». *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، ش 2(5): 27-50.
- تری، ا. (1387). *ایده فرهنگ*. ترجمه ع. ادیب راد. تهران: انتشارات حرفه.
- حاجی‌زاده، ا. و م. اصغری (1390). *روشها و تحلیلهای آماری با نگاه به روش تحقیق در علوم زیستی و بهداشتی*. تهران: جهاد دانشگاهی.
- حمیدی هریس، ر. و ف. راد (1396). «بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز». *مطالعات جامعه‌شناسی*، 10(35): 65-81.
- حیدری گرجی، خ؛ ن. جباری و ق.م. کوچکی (1393). «بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با میزان کاربست راهبردهای مطالعه و یادگیری دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گرگان». *راهبردهای توسعه در آموزش پزشکی*، ش 1(2): 9-17.
- رضاپور، م. و ج. ابراهیمی (1395). «تأثیر سرمایه فرهنگی بر دلستگی شغلی در بین استادان دانشگاه محقق اردبیلی». *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، ش 13(3): 93-106.
- ژیانپور، م؛ آ. حسن‌پور و ع.ر. نیلی (1392). «کشاکش رشته‌ها در میدان دانشگاهی (مقایسه سرمایه فرهنگی رشته‌های چهارگانه دانشگاه دولتی اصفهان)». *جامعه‌شناسی کاربردی*، ش 24(3): 213-232.
- ساروخانی، ب. (1380). *درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی*، جلد اول. تهران: کیهان.
- سفیری، خ. (1387). *روش تحقیق کیفی*. تهران: پیام پویا.
- شارع‌پور، م. و غ. خوش‌فر (1381). «رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان مطالعه موردی شهر تهران». *نامه علوم اجتماعی*، ش 20: 133-147.
- شریبتیان، م.ح. و ز. اسکندری (1394). «تحلیل جامعه‌شناختی شاخصهای سرمایه فرهنگی و عوامل مؤثر بر آن؛ مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاههای پیام نور و آزاد اسلامی قاین». *مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*، ش 10(2): 57-84.
- شوریه، ک. و ا. فونت (1385). *واژگان بوردیو*. ترجمه کتبی، م. و ژ. پیرزرد. تهران: نشر نی.
- فائق، س. و ب. باینگانی (1395). «سنجش سرمایه فرهنگی طبقات بر اساس پایگاه اقتصادی- اجتماعی (مطالعه در میان شهروندان اصفهانی)». *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ش 7(3): 117-137.

- قاسمی، و. (1389). مدل‌سازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد Amos Graphics. تهران: جامعه‌شناسان.
- قاسمی، ی.م. و ا. نامدار جویمی (1393). «بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین فرهنگی» (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه دولتی ایلام). فرهنگ ایلام، ش 15 (44-45): 7-21.
- محمدی، ف. (1397). «سرمایه فرهنگی و هویت جمعی؛ مطالعه پیمایشی دانشجویان دانشگاه کردستان». راهبرد فرهنگ، ش 11 (44): 87-119.
- مومنی، م. و ع.ف. قیومی (1389). تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS. تهران: مولف.
- Bourdieu, P. & J.C. Passeron (1977). **Reproduction in Education, Society and Culture**. London: Sage.
- Chauvire, C. & O. Fontaine (2006). **Le vocabulaire de Bourdieu**. translation, m. And Katbi, M. & J. Pirzardeh. Tehran: Ney Publishing. (In Persian).
- Ebrahimi, G.; H. Janalizadei Choobbasti & M. Boolaghi (2018). "Sociological Study about the Impact of Cultural Capital on Religious Lifestyle (Case Study: University of Mazandaran's Students)". *Sociology of Social Institutions*, 4(10), 113-138. (In Persian).
- Faeghi S. & B. Bayangani (2017). "Assessment of Cultural Capital of Classes based on Socio-Economic Status (Study among Isfahani Citizens)". *Cultural Sociology*, 7 (3): 117-137. (In Persian).
- Fornell C. & F.D. Larcker (1981). "Evaluating Structural Equation Models with Unobservable Variables and Measurement Error". *Journal of Marketing Research*, 18(1): 39-50.
- Gao, L. (2003). **Impacts of Cultural Capital on Student College Choice Process in Chin**. United States of America: Lexington Books.
- Ghasemi V. (2010) **Structural Equation Modeling in Social Research Using Amos Graphics**. Jameeshenasan Publications. (In Persian).
- Ghasemi, Y. & E. Namdar Javimi (2014). "Investigate the Relationship between Cultural Capital and Cultural Symbolic Capital (Case Study: Ilam University students)". 15(44-45): 7-21. (In Persian).
- Hajizadeh A. & M. Asghari (2011). **Statistical Methods and Analysis by Looking at Research Methods in Biological and Health Sciences**. Tehran: Jihad Daneshgahi Publications. (In Persian).
- Hamidi Heris, R. & F. Rad. (2017). "Studying the relationship between cultural capital and political participation of Tabriz Islamic Azad university students". *The Journal of Sociology Studies*, 10(35), 65-81. (In Persian).
- Heidari Gorgy K.; N. Jabbari & G.M. Koochaki (2014). "The Study of the relationship between cultural capital with Students' Learning and Study Strategies in Golestan University of Medical Sciences". *DSME*, 1(2): 9-17. (In Persian).

- Idrisi A.; A. Rahmani Khalili & S.N. Hosseini Amin (2012). "**Family Cultural Capital and Students' Leisure with Bourdieu's Theoretical Approach (Case Study: Tehran University Students)**". *Sociology of Youth Studies*, 2(5): 27-50. (In Persian).
- Mohammadi, F. (2019). "**The Cultural Capital and Collective Identity: A Survey of Students of Kurdistan University**". 11(44): 87-119. (In Persian).
- Momeni, M. & A.F. Ghayomi (2010). **Statistical analysis using SPSS**. Tehran: Moalef. (In Persian).
- Rezapour, M. & J. Ebrahimi (2016). "**Impact of Cultural Capital on Job Involvement among masters of Mohaghegh Ardebili University**". *Iranian Journal of Social Sciences Studies*, 13(3): 93-106. (In Persian).
- Safiri, Kh. (2008). **Qualitative Research Method**. Tehran: Payam Pouya Publisher. (In Persian).
- Sarukhani, B. (2001). **An Introduction to the Encyclopedia of Social Sciences**, Vol. 1. Tehran: Kayhan Publications. (In Persian).
- Sharbatian M.H. & Z. Eskandari (2015). "**Sociological Analysis of Cultural Capital Indicators and Factors Affecting It A Case Study: Female Students of Payame Noor and Islamic Azad Universities of Ghaen**". *Khorasan Socio-Cultural Studies*, 10(2): 57-84. (In Persian).
- Sharepour, M. & Gh. Khoshfar (2002). "**The Relationship between Cultural Capital and the Social Identity of Youth: A Case Study of Tehran**". *Letter of Social Sciences*, 20: 133-147. (In Persian).
- Sullivan, A. (2001). "**Cultural Capital and Educational Attainment**". *Sociology*: 893-912.
- Sullivan, A. (2002). "**Bourdieu and Education: How Useful is Bourdieu's Theory for Researchers?**". *Netherlands Journal of Social Sciences*, 38(2): 66-144.
- Sullivan, A. (2007). "**Cultural Capital, Cultural Knowledge and Ability**". *Social Research Online*, dio: 10.5153/sro,1596.
- Terry, A. (2008). **The idea of culture**. Translated by A. Adib Rad. Tehran: Profession Publications. (In Persian).
- Tymon, A. & J. Stump. (2003). "**Cultural Capital**", *Journal of Cultural Economics*, 23: 1-2.
- Zhianpour, M.; A. Hasanpour & A. Nili (2013). "**Competition of Different Academic Disciplines in the Academic Field (Comparison of the Cultural Capital of Four Disciplines in the University of Isfahan)**". *Journal of Applied Sociology*, 24(3): 213-232. (In Persian).

